



۴ صفحه ضمیمه نوجوان روزنامه



شماره ۳۱۳

www.qudsonline.ir

پنجشنبه ۲۱ بهمن ۱۳۹۵ | ۱۱ جمادی الاول ۱۴۳۸ | ۹ فوریه ۲۰۱۷

در بسته خبری بخوانید

سلام ژاوی جان!

می گه بدترین

جشنواره فیلم فجر

آمریکا

رفت و برگشت

ای خدای پنجره‌های آفتاب گیسوده به نور ای از تو مبارک لفظه تود
دوداره انسان آدمیا یارالها تو را قسم به وعده زلال بازگشت قطره به
آسمان سلام و ستاره روشن کن پیش پای درختان آستانده به صبح و
مرا نیز به برکت سبز نمانده بهار «پیش پای ای خدای منتظر به
صدای قیلهای گیسودگان صدام کن در این تاریکی»
فکر ساعت هشت

باله از فرزند ۲۸ شادی ۳۱ صفحه سیاه‌په



در کمتر از ۷۲ ساعت تا شروع دربی ۸۴ بازار
کری خوانی طرفداران قرمز و آبی داغ است

تپالم و صدای جودولم
جودولم شدم نمی دارم مودولم



02

دوم:

کوکتل مولوتف

«کوکتل مولوتف» شاید برای شما اسم غریب و دور از ذهنی باشد، اما برای بچه‌های انقلاب خیلی آشناست. کوکتل مولوتف یک بمب ساده دست‌ساز است که در روزهای انقلاب و در اوج درگیری‌های خیابانی مردم با نیروهای نظامی رژیم شاه استفاده می‌شد. طبیعی هم بود، و مردم برای اینکه بتوانند از خودشان دفاع کنند، غیر از چوب و سنگ و کوکتل مولوتف چیز دیگری نداشتند. انقلابیون مقداری بنزین و صابون رنده‌شده را داخل بطری‌های شیشه‌ای خصوصاً بطری نوشابه می‌ریختند و مقداری پارچه را به عنوان فتیله سر بطری می‌گذاشتند و بعد فتیله را آتش می‌زدند و به سمت تانک‌های رژیم شاه تپاتپ می‌کردند و... بمب!!!

07

هفتم:

تریا شدن

می‌دانم، روزهای انقلاب خیلی از شما حتی به دنیا هم نیامده بودید. می‌دانم تصویر و تصور ذهنی شما از روزهای انقلاب همان چیزهایی است که بسته و گریخته از تلویزیون دیده‌اید، یا مطالبی که در کتاب‌های درسی‌تان خوانده‌اید. می‌دانم که درک و باور بعضی از اتفاقات برایتان سخت است، اما دقیقاً ۳۸ سال پیش در چنین روزهایی حرف و عمل مردم این سرزمین یکی شده بود. مردم حاضر نبودند حتی با شلیک گلوله نظامیان شاه، خیابان‌ها را ترک کنند، تمام محاسبات زندگی روزانه مردم تغییر کرده بود. مردم با هم مهربان‌تر شده بودند، یک پارچه و یک‌دل شده بودند، دریا شده بودند...

08

هشتم:

خمینی‌ای امام...

«خمینی‌ای امام...» مهم‌ترین، زیباترین، احساسی‌ترین و ماندگارترین جمله روزهای انقلاب ۱۳۵۷ بود. خیلی‌ها مردی را که «امام خمینی» صدایش می‌کردند، حتی از نزدیک ندیده بودند؛ فقط یک عکس! یک صدا! یک تصویر از پشت شیشه‌های تلویزیون! اما این مرد عجیب توی دل این مردم جا باز کرده بود. مردم حرف‌هایش را می‌شنیدند و با جان و دل به آن عمل می‌کردند. می‌دانید چرا؟ چون باورش داشتند. چون او همان چیزی را می‌گفت که خودش به آن عمل می‌کرد، چون مرد میدان بود، چون ایمان و باور را توی رگ‌های مردم به جریان انداخته بود... بگذارید ساده‌تر بگویم: امام خمینی (ره) دوست‌داشتنی بود.



هشت

روایت امروزی

رای

۲۲

بهمن

محمد عکاف

شما آن‌روزها نبودید، اما برای خیلی‌هایی که آن‌روزها را درک کرده‌اند، خیلی از چیزها می‌تواند تداعی‌کننده خاطرات ۳۸ سال پیش باشد؛ خاطراتی که خیلی از جوانان و نوجوانان دهه پنجاه را می‌برد به روزهای انقلاب.



01

اول:

صدای خاطره‌انگیز

چندروز پیش در اختتامیه جشنواره تجلیل از فعالان فرهنگی اربعین، «رضا رویگری» هم دعوت شده بود. چهره سرشناس تئاتر و سینمای ایران که خیلی‌ها او را به نام «کیان» در سریال مختارنامه می‌شناسند. او به‌سختی راه می‌رفت و هنگامی که برای تجلیل به‌روی صحنه رفت، گفت نذر کرده است اگر قدرت راه رفتنش را بباید، در پیاده‌روی اربعین شرکت می‌کند. با دیدن او قبل از زنده شدن خاطره بازی‌هایش در فیلم‌ها و سریال‌های ایرانی، صدایش برایم زنده شد. همان صدای حماسی که هر سال در سالگرد پیروزی انقلاب خیلی می‌شنویم... ایران ایران ایران رگبار مسلسل‌ها ایران ایران ایران رشته شده بر ایوان!!!

03

سوم:

حکومت نظامی

«حکومت نظامی» یعنی تعیین زمان منع رفت‌وآمد مردم در خیابان‌ها. در روزهای انقلاب که درگیری‌های خیابانی مردم با نیروهای نظامی شاه به اوج خودش رسیده بود، دولت بختیار و ارتش، ساعت حکومت نظامی اعلام می‌کردند و هیچ‌کدام از مردم عادی حق رفت‌وآمد در خیابان‌ها را نداشتند و در صورتی که کسی در ساعت حکومت نظامی بیرون از خانه بود، مأموران شاه او را بازداشت می‌کردند. اعلام حکومت نظامی بهترین روش بود تا رژیم شاه بتواند کنترل اوضاع را در دست بگیرد، اما کو گوش شنوا...! مردم بدون توجه به اعلامیه‌ها و اطلاعیه‌های نظامی که از مردم می‌خواست از خانه‌هایشان بیرون نیندند، بیرون می‌آمدند و علیه شاه شعار می‌دادند.

04

چهارم:

شعار نویسی

نه از تلگرام خبری بود، نه از واتساپ و وایبر و اینستاگرام و شبکه‌های اجتماعی؛ راستش را بخواهید خیلی از خانه‌ها همین تلفن‌های معمولی را هم نداشتند، چه برسد به تلفن همراه که هنوز متولد نشده بود! برای همین در آن روزگار ساده‌ترین چیزها به یک رسانه تبدیل می‌شد تا شور انقلاب را در دل‌ها زنده نگه دارد.

یک اسپری رنگ که معمولاً توی کیف مدرسه یا داخل کت و کاپشن پنهان می‌شد و یک دیوار کافی بود که پای مأموران شاه را به کوچه پس‌کوچه‌های محله باز کند. شعارهایی که به‌دست نوجوان‌ها و جوان‌ها روی دیوارها نوشته می‌شد، رسانه انقلاب بود: «مرگ بر شاه»، «درود بر خمینی»، «رهبر این سرزمین، خمینی نازنین»، «من اگر بنشینم، تو اگر بنشینی، چه کسی برخیزد»...

05

پنجم:

تیتروهای تکرار نشدنی

در تاریخ یک مملکت خیلی کم پیش می‌آید که بعضی از واژه‌ها و عبارت‌ها ماندگار شوند؛ عبارت‌هایی که سال‌های سال بعد از آن رویداد هنوز «تو» باشند و خیلی از معلمان مدرسه و استادان دانشگاه را تشویق کند تا سر کلاس‌های درس‌شان درباره تأثیرات آن عبارت‌ها در جامعه صحبت کنند. در کشور ما دو عبارت، یا بهتر است بگویم دو تیترو در تاریخ ماندگار شد و بعد از آن دیگر نمونه‌اش تکرار نشد. هنگامی که «محمدرضا پهلوی» در ۲۶ دی‌ماه ۱۳۵۷ از کشور فرار کرد روزنامه‌ها تیترو زدند «شاه رفت» و در ۱۲ بهمن همان سال وقتی امام خمینی (ره) بعد از سال‌ها تبعید به کشور برگشتند، دوباره روزنامه‌ها تیترو زدند «امام آمد»...



06

ششم:

اسم رمز

بعضی از کلمات مثل یک «اسم رمز» می‌مانند. می‌توانند احساسات یک ملت را به جوشش در آورند. می‌توانند رنگ حماسه به جامعه بزنند و مثل یک جریان خروشان در خیابان‌های شهر و روستا موج به راه بیاندازند. «تظاهرات»... این اسم رمز مردم ایران در بهمن‌ماه ۱۳۵۷ بود. فقط کافی بود یک‌نفر در اتوبوس یا تاکسی، در مدرسه یا دانشگاه، در اداره یا مغازه، آرام کنار گوش تو بگوید: فردا صبح... ساعت... خیابان... «تظاهرات»! همین یک اسم رمز مثل توثیق‌ها و هشک‌های شبکه‌های مجازی امروزی تا شب هزاران هزاربار دهان‌بدهان و گوش‌به‌گوش تکثیر می‌شد تا صبح فردا موج مردم در خیابان‌های شهر به راه بیفتد...





استقلال وبازگ

رتبه درج

استقلالی‌ها
از ۸۴ مسابقه قبلی توانستند ۱۱۰ امتیاز کسب کنند و بدجور یکشنبه به دنبال افزایش امتیازات خود هستند. بین خودمان بماند، ولی منصوریان بدش هم نمی‌آید که با یک تساوی امتیازات خود را به ۱۱۱ برسانند.

۱۸۹۱
از آخرین برد استقلالی‌ها حدود ۱۸۹۱ روز می‌گذرد. آن‌ها اگر بتوانند پرسپولیس را شکست دهند، بعد از ۵ سال و دوماه و ۸ روز از برد ۳ بر صفرشان در سال ۱۳۹۰، این طلسم را شکسته‌اند.

۸
استقلالی‌ها در ۵ بازی شهرآوردی که سال ۱۳۹۰ انجام شد، توانستند ۱۰ گل به ثمر برسانند تا بیشترین گل زده در یک‌سال را از آن خود کنند. پرسپولیس‌ها فعلاً بعید است بتوانند تا نزدیکی این آمار هم پیش بیایند.

۱۰
استقلالی‌ها که در هفته‌های اخیر حسابی موتور گلزنی‌شان روشن شده است، توانستند در سه بازی گذشته ۹ گل به ثمر برسانند. آن‌ها خیلی دوست دارند، مقابل بهترین خط دفاع لیگ هم بتوانند خط حمله خود را آزمایش کنند.

۱۳
هرچند بازی یکشنبه باکلی بازیکن جوان داخل زمین استارت می‌خورد، ولی بعید است کسی بتواند رکورد جوان‌ترین گلزن تاریخ دربی را که در دست حسن روشن با ۱۸ سال سن است، بشکند.

خدا حافظ

آقای لم

نیمچه پرنده

IGOR KOLAKOVICH

شاید باور تان نداشتن کلی اسم معر رافسی به حضور جناب کولاکوویچ بود و با تبم صریس سال ۲۰۱۶ نیز کاری دوران مربیگری

محرومیت

پش

محرو

نیمچه پرنده

روای خط

روای خط

امیدواریم دهه فجر خوش و خرمی را سپری کرده باشید. خب بالاخره این هفته جشنواره فیلم فجر و حواشی پر تعدادش تمام شد تا این آخرین هفته‌ای باشد که شاهد حضور اخبار جشنواره فجر امسال در بسته خبری هفتگی باشیم. این شما و این سومین بسته خبری بهمن‌ماه ۱۳۹۵

سلام ژاوی جان!

بگذارید خبرها را از سلفی‌ترین سوژه این هفته آغاز کنیم. جناب ژاوی خان که به‌همراه تیم‌السد به تهران آمده بود، آنقدر مورد محبت مردم در فرودگاه تهران قرار گرفت که مأموران پلیس به‌زور او را از زیر دست‌وپای سلفی‌بگیران نجات دادند و به هتل محل اقامت رساندند. بنده خدا یک‌جوری توی فشار جمعیت له شد که سه‌شنبه اصلاً یادش نبود که چه‌جوری باید پاس بدهد. امیدواریم ژاوی این استقبال را برای مسی تعریف نکند تا بتوانیم با ستاره آرژانتینی هم در آینده نزدیک سلفی بگیریم. الهی آمین.

#ایران با اقتدار

می‌گه بدترین جشنواره فیلم فجر

آقا یعنی ما هرچی از اوضاع آشفته جشنواره فجر امسال بگیریم، کم گفتیم. شرایط داوری که چیزی شبیه به فاجعه بود و کار را به جایی رساند که صدای این‌وری و آن‌وری را درآورد. اصلاً نصف کسانی که کاندیدای سیم‌رغ شدند، خودشان نمی‌دانند دقیقاً چه شایستگی برای کاندید شدن داشتند. از طرف دیگر کیفیت پایین فیلم‌ها، فراستی درون تمام منتقدان را روشن کرد تا حسابی به فیلم‌های نمایش داده شده بتازند. فراستی هم که یک فراستی درون کاملاً فعال دارد، اعلام کرد که شاهد بدترین جشنواره ۱۵ سال اخیر سینمای ایران بودیم.

آقای بی‌خیال

فوت ناگهانی «حسن جوهرچی» دوست داشتنی هرچند خیلی تلخ بود، ولی یک پیام بزرگ داشت، و آن اینکه واقعاً باید حواسمان به تذکرات دکترهای عزیز باشد. همین حسن آقا اگر همان روزی که درمورد کیدش تذکر گرفت، به‌دنبال پیوند یک کبد سالم می‌رفت، شاید به این سرعت از بین ما نمی‌رفت. حالا هرچه شد و هرچه گذشت، دیگر حسن جوهرچی بازیگر محبوب دهه ۷۰ و ۸۰ در بین ما نیست. سال ۱۳۹۵ را باید یکی از تلخ‌ترین سال‌های اخیر در موضوع از دست دادن هنرمندان و چهره‌های سرشناس دانست.

دوباره پدیده

یعنی من عاشق این عکس شدم که این هفته دست‌به‌دست در فضای مجازی چرخید. ایشان ناصرالدین‌شاه هستند که خیلی ریلکس لم داده‌اند و عکس یادگاری گرفته‌اند. خونسردی همین دوست عزیزمان کلی کشور را در بخش‌های مختلف عقب انداخت. به هر حال هرچند شاید دیگر بعضی مدیران ما این عکس‌ها را نگیرند، ولی خب ریلکسی ناصرالدین‌شاه را به ارث برده‌اند. این دسته از مدیران در برابر انتقادها می‌گویند: «ولش کنید بابا، دوغ تان را بنوشید»

رکورد ملکه

ملکه الیزابت در رکوردی تاریخی، این هفته به شصت و پنجمین سال سلطنت خود در انگلیس رسید. یعنی من اصلاً به این کار ندارم که کلاً ایشان چه کاره هستند در این کشور و چقدر می‌توانند در تصمیم‌گیری‌ها تأثیرگذار باشند، به این هم کار ندارم که دقیقاً خانم الیزابت اصلاً کجا هستند که ما عکس خاصی از ایشان نمی‌بینیم. سؤال من اینه که واقعاً خسته نشدی یعنی؟ خب توی مهد مثلاً دموکراسی چه‌جوری یک الیزابت‌خانمی ۶۹ سال یک جایگاه را بدون هیچ‌نظارتی در اختیار دارد؟ خب ملکه خانم بی‌خیال شو بابا! آخر عمری برو یکم تفریح کن به‌جای تحمل بار این مسؤولیت سنگین. والا!

آمریکارفت‌ویرگشت

بعد از آنکه جناب ترامپ تصمیم گرفت اجازه ورود ایرانیان را به خاک این کشور ندهد تا کلی واکنش مختلف توسط ایرانیان به این عمل را در پی داشته باشد، فدراسیون کشتی هم تصمیم گرفت که نگذارد تیم ملی آمریکا برای مسابقات جام جهانی کشتی به ایران بیاید، ولی چندروز نگذشت که با توجه به تذکر فدراسیون جهانی کشتی و تهدید به جریمه سنگین، کشورمان تصمیم گرفت که بی‌خیال این ممانعت شود. الان که فکرش را می‌کنیم، خدایش کار خوبی هم نبود که نگذاریم کشتی‌گیران آمریکایی به جام جهانی بیایند. به هر حال اگر یک‌نفر نامردی کرد، ما نباید جوابش را در ورزش بدهیم. نه؟

احتمالاً وقتی در حال خواندن این مطلب هستید، حسابتی بازار گری خواندن قبل از دربی داغ است و رسانه‌های مختلف تا دلتان بخواهد از زوایای مختلف به بررسی مسایل فنی و غیر فنی دربی ۸۴ پرداخته‌اند. اگر شما هم مثل خیلی‌های دیگر حوصله خواندن هزاران کلمه مطلب رسانه‌ها را ندارید و می‌خواهید که خیلی کوتاه و سریع درمورد دربی یکشنبه ظهر اطلاعات کسب کنید، با ما همراه باشید.



PERSPOLIS

پرسپولیس و تحقق یک رؤیا

رتبه در جدول

یکشنبه ۲۴ بهمن

15:00

ESTEGH

شت به اوج

جدول



DERBY48

در کمتر از ۷۲ ساعت تا شروع دربی ۴۸ بازار گری خوانی طرفداران قرمز و آبی داغ است

تپلم و صد رجدولم جوون شدم، نمی دارم....!



اولین گلی که یک بازیکن خارجی در دربی پایتخت به ثمر رساند، به دربی سال ۱۳۵۵ برمی گردد که عیسی ترابوره برای قرمزها گلزنی کرد. آیا مدافعان خارجی استقلال یا پرمیوفا اوکراینی پرسپولیس می‌توانند با گلزنی در بازی یکشنبه، آخرین گلزن خارجی دربی لقب بگیرند؟

بی‌چون و چرای بازی هفته گذشته پرسپولیس مقابل تراکتور، بدچوردلش می‌خواهد در اولین دربی که می‌تواند حضور داشته باشد، هنرنمایی کند. سروش رفیعی، بازیکن شماره هفت پرسپولیس می‌خواهد با چند دریبل دیگر در آزادی از قرمزها دلربایی کند.

پروین هم به عنوان بازیکن و هم به عنوان سرمربی، بیشترین حضور را در دربی پایتخت داشته است. او در ۲۵ بازی به عنوان مربی روی نیمکت پرسپولیس نشسته است و بعید است که تا چندین سال آینده کسی بتواند به نزدیکی این رکورد هم برسد.

مشکلی که می‌تواند مانع تکرار نمایش خیره‌کننده هفته‌های اخیر پرسپولیس باشد، غیبت شماره ۱۱ قرمزهاست. کمال کامیابی‌نیا در دقایق پایانی بازی با تراکتور، با اخراجش حسابی دست برانکو را در پست هافبک دفاعی خالی کرد.

از مجموع ۸۳ مسابقه دربی قبلی، دو تیم ۳۸ مسابقه را با مساوی به انتها رسانده‌اند که آخرینش همین بازی رفت سال گذشته بود. هواداران سرخابی‌ها اصرار دلشان نمی‌خواهد که دربی پایتخت دوباره درگیر تساوی‌های بی‌دربی شود.

پرگل‌ترین مسابقه دربی ۶ گل به همراه داشته است. یکی مربوط به مسابقه سال ۱۳۵۲ و پیروزی خاطره‌انگیز ۶ بر صفر قرمزهاست و دیگری مربوط به بازی فصل قبل و برد ۴ بر ۲ شاگردان برانکو، مقابل مظلومی و استقلال!

محمود خورددین یکی از آن رکورددارانی است که بعید است کسی تا ابد بتواند رکورد او را بشکند. شاید باور ش سخت باشد، ولی خورددین یکشنبه ۵۴امین حضورش را بر روی نیمکت قرمزها به عنوان سرپرست در دربی تجربه می‌کند.

اگر برانکو بتواند دربی یکشنبه را با پیروزی پشت سر بگذارد، فاصله امتیازی خود را با استقلال به ۱۶ امتیاز می‌رساند تا حسابتی قرمزها دست‌نیافتنی شوند. چه چیزی بهتر از تحقق این رؤیا برای هواداران پرسپولیس؟

علیرضا گرانبایه | احتمالاً وقتی در حال خواندن این مطلب هستید، حسابتی بازار گری خواندن قبل از دربی داغ است و رسانه‌های مختلف تا دلتان بخواهد از زوایای مختلف به بررسی مسایل فنی و غیر فنی دربی ۸۴ پرداخته‌اند. اگر شما هم مثل خیلی‌های دیگر حوصله خواندن هزاران کلمه مطلب رسانه‌ها را ندارید و می‌خواهید که خیلی کوتاه و سریع درمورد دربی یکشنبه ظهر اطلاعات کسب کنید، با ما همراه باشید.

از اولین مسابقه دربی بین دو تیم ۴۸ سال می‌گذرد؛ مسابقه‌ای که تنها هواداران داخل ورزشگاه تصاویری از آن را به یاد دارند و با تساوی دو تیم در تاریخ ۱۶ فروردین ۱۳۴۷ به پایان رسید.

در طول تاریخ دربی، ۴ مسابقه نیمه‌کاره به اتمام رسیده که هر ۴ مسابقه با حکم کمیته اطفی به سود استقلال رقم خورده بعد است که دیگر مسابقه دربی نت در سال‌های آینده نیمه‌کاره به اتمام برسد. پس خیالتان راحت باشد.

دور مسابقه یکشنبه، هفدهمین دربی پشت‌سرهمی را قضاوت می‌کند که یک دور ایرانی آن را سوت زده است. آخرین بار که یک دور خارجی این مسابقه را قضاوت کرده است، برمی‌گردد به بازی دور رفت، فصل ۱۳۸۸-۱۳۸۷ که سعد کمیل اماراتی دور بازی بود.

آخرین بازی که بازی دربی در ماه ۱۱ سال برگزار شد، به سال ۱۳۹۱ برمی‌گردد که بازی دو تیم به تساوی صفر بر صفر کشید و کلی نحوه بازی دو تیم کسل‌کننده بود. البته یادتان نرود که مسابقه تاریخی که در آن زاید در ده دقیقه هت‌تریک کرد هم بهمن‌ماه سال ۹۰ برگزار شد.

آخرین بازی که بازی دربی در ماه ۱۱ سال برگزار شد، به سال ۱۳۹۱ برمی‌گردد که بازی دو تیم به تساوی صفر بر صفر کشید و کلی نحوه بازی دو تیم کسل‌کننده بود. البته یادتان نرود که مسابقه تاریخی که در آن زاید در ده دقیقه هت‌تریک کرد هم بهمن‌ماه سال ۹۰ برگزار شد.

FRANK LAMPARD



پارد

هرچند هواداران جلسی اصلاً دوست نداشتند که لمپارد یک‌سال بعد از خداحافظی از لیگ انگلیس و رفتن به لیگ تبلیغاتی آمریکا، با لباس منچستر سیتی به انگلیس بازگردد، ولی آن‌ها هیچ‌گاه نمی‌توانستند بهترین گلزن تاریخ باشگاه خود را فراموش کنند. لمپارد در حالی این عنوان را بدک می‌کشد که به عنوان هافبک مرکزی در ترکیب جلسی حضور داشته است. او خوب می‌داند که ۳۱۱ گلی که با پیراهن این تیم به ثمر رسانده است، ثمره ثبات ۱۱ ساله او در ترکیب اصلی این تیم است و هیچ ربطی به پست بازی او در زمین ندارد. لمپارد در لباس ملی هم توانسته بیش از ۱۰۰ بازی ملی برای انگلستان انجام دهد، ولی هیچ‌گاه نتوانسته است در کنار جرارد، کمبل، کول و بکهام به موفقیت خاصی در دنیای فوتبال برسد. شاید اگر آن شوت سرکش لمپارد در جام جهانی ۲۰۰۶ که پشت خط دروازه نویر به زمین خورد، توسط کمک داور بازی دیده می‌شد و آن را گل اعلام می‌کردند، الان شرایط به کلی متفاوت بود. حالا لمپارد دیگر نه با لباس جلسی و نه با لباس تیم دیگری به زمین فوتبال نمی‌آید. او رفت، مرد مستحکم میانه میدان خداحافظی کرد تا شاید در آینده‌ای نزدیک به عنوان کمک‌مربی و سرمربی بار دیگر به کنار مستطیل سبز بیاید.

خوش آمدی مربی

نیمچه پرونده

شود، ولی بالاخره آقای داورزنی و هیأت‌رئیس محترم نتوانستند فکری به حال نیمکت تیم ملی کرده و آقای سرمربی را انتخاب کنند. کولاکویچ بعد از کشمکش‌های فراوان و بالا و پایین کردن وف و غیر معروف به عنوان سرمربی تیم ملی والیبال در دو دوره دو ساله، یعنی تا پایان المپیک توکیو ۲۰۲۰ انتخاب شد. اگر شما هم سؤال دارید که چرا روی هر مربی دست می‌گذاشتیم، رور در ایران نمی‌شد، باید بگوییم که فدراسیون یک شرط اساسی برای مربی تیم ملی والیبال دارد و آن هم قبول حضور در بین ۴ تیم نهایی المپیک ۲۰۲۰ است؛ قوی که به نظر می‌رسد چون مونته‌نگروی به داورزنی داده است. اما اگر سؤال دارید که این آقای کولاکویچ کیست، باید بگوییم که ایشان در سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۴ سرمربی تیم ملی والیبال مردان صربستان ستان به مقام چهارمی مسابقات والیبال قهرمانی مردان جهان ۲۰۰۶ رسید که به عقیده برخی از مفسرین و کارشناسان بین‌المللی والیبال دنیا، قهرمانی صربستان در لیگ جهانی حاصل کار این مربی در مدت حضورش در تیم ملی صربستان بوده است. این مربی بین‌المللی والیبال، ۲۲ مدال در رنگ‌های مختلف و از رویدادهای متعدد والیبال در پرونده نری خود دارد که ۱۳ مدال آن به رنگ طلایی است.

ESTEGHLAL TIRAXTUR EXCLUSION



شرایط محرومیت تیم‌های لیگ برتری آنقدر وخیم است که حالا روزی دوبار شرایط باشگاه‌ها توسط کارمندان بخش اداری چک می‌شود. این داستان‌ها عجیب ولی واقعی است که دو تیم مطرح کشور، یعنی استقلال و تراکتور در حالی با محرومیت از فصل نقل و انتقالات زمستانی همراه شدند که هیچ‌کسی در باشگاه از این موضوع خبر نداشته است، تا جایی که مدیر محترم هر دو باشگاه با بازیکنان مختلف برای حضور در تیم مذاکره می‌کنند و قراردادهای چندصد میلیونی می‌بندند، غافل از اینکه اصلاً نمی‌توانند از این ستارگان استفاده کنند. حالا که نه خبری از عالیشاه، نوراللهی، بیگزاده و شهباززاده در تراکتور و همچنین جباروف، تیموریان و چشمی در استقلال است، کسی نمی‌داند که چه کسی باید پاسخی بدهد میلیون‌ها تومانی باشد که در قرارداد این بازیکنان حیف و میل می‌شود؟ یعنی همه این بازیکنان راضی می‌شوند که بدون دریافت پول از این تیم‌ها جدا شوند؟ یا نیم‌فصل به صورت رایگان منتظر استقلال و تراکتور باشند؟ من که بعید می‌دانم این اتفاق بیفتد و البته بعیدتر می‌دانم که کسی به‌خاطر چنین اشتباهاتی در فوتبال توبیخ شود و از فوتبال کشور کنار گذاشته شود.

شت
ر میت



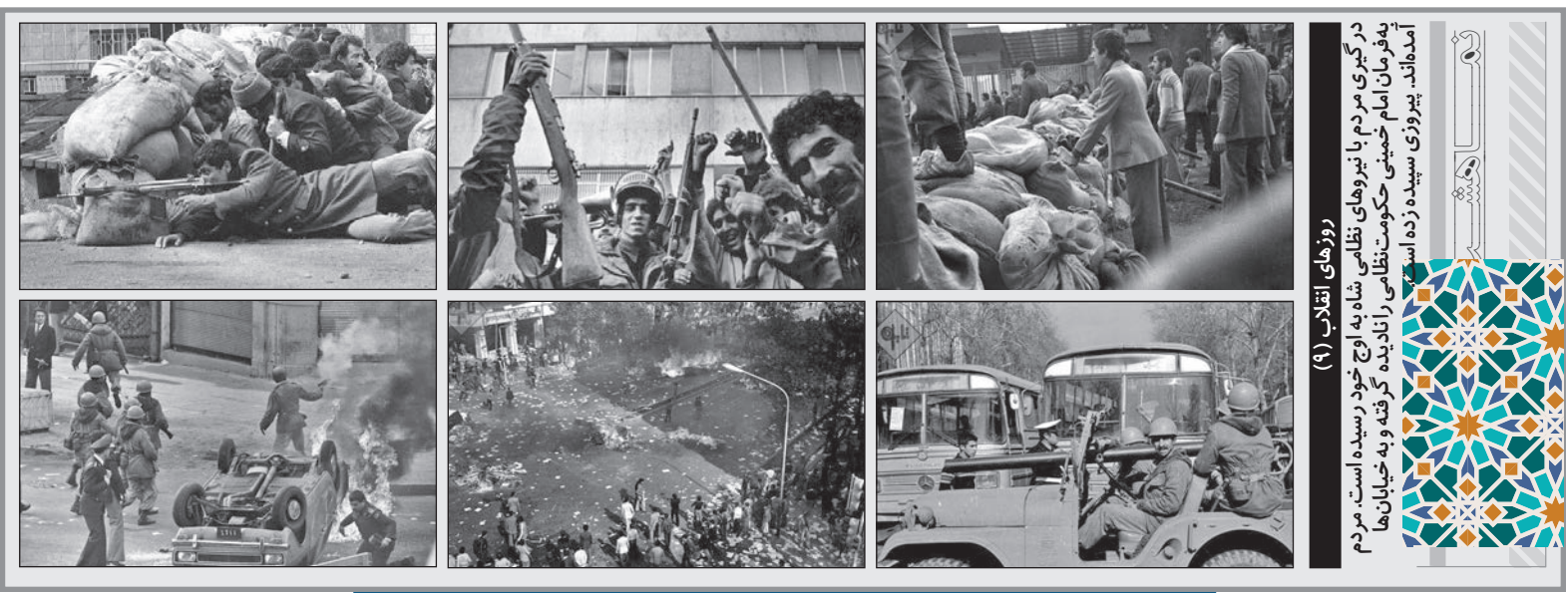
ای خدای پنجره‌های آغوش گشوده به
نور! ای از تو مبارک لحظه تولد دوباره
ایمان آدمی! بارالها تو را قسم به وعده
زلال بازگشت قطره به آسمان، سلام و
ستاره روشن‌کن پیش پای درختان ایستاده
به صبح و مرا نیز به برکت سبز نامشان
بهار دوباره ببخش! ای خدای منتظر به
صدای قدم‌های گمشدگان، صدایم کن در
این تاریکی!

اللَّهُمَّ فَكِّهَا أَمْرَتِ بِالْقُوَّةِ، وَ ضَمْنَتِ الْقَبُولِ،
وَ حَثَّتْ عَلَى الدَّعَاءِ، وَ وَعَدَتْ الْإِجَابَةَ،
فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ اقْبَلْ تَوْبَتِي،
وَ لَا تُزَيِّفْنِي مَرْجِعَ الْخَبِيَةِ مِنْ رَحْمَتِكَ،
إِنَّكَ أَنْتَ الْقَوَّابُ عَلَى الْمُذْنِبِينَ، وَ الرَّحِيمُ
لِلْخَاطِئِينَ الْمُتَنِينَ.

خدایا پس همچنان‌که به توبه فرمان
دادی و قبول آن را ضمانت کردی، و بر دعا
تحریض و ترغیب کردی و وعده اجابت
دادی، بر محمد و آلش رحمت فرست،
و توبه مرا قبول کن، و به ناامیدی از
رحمتت بازم مگردان؛ زیرا تویی پذیرنده
توبه گناهکاران و بخشنده بر خطایندگان
بازگرایندگان.

فرانز از ۲۸ دای ۳۱
صحیفه سجادیه

برداشت و الهام آزاد
از اسماعیل فیروزی



روزهای انقلاب (۹)
درگیری مردم با نیروهای نظامی شاه به اوج خود رسیده است. مردم
به فرمان امام خمینی حکومت نظامی را تادیه گرفته و به خیابان‌ها
آمده‌اند. پیروزی سپیده زده است.

«اوبر» تاکسی اینترنتی جهانی، که ایده تاکسی پرنده را دارد

از روی ترافیک پرواز کن...



از شاسی بلند تا خودروی هیبریدی

خیلی از قابلیت‌های تاکسی‌های اینترنتی ایرانی دقیقاً مثل
اوبر است، اما اوبر امکانات جالب دیگری هم دارد؛ مثلاً موقع
سفارش تاکسی، شما می‌توانید ماشین‌تان را هم انتخاب
کنید. خودروهای سدان مشکی رنگ، ون و شاسی بلند،
موتور سیکلت و تاکسی از انتخاب‌های کاربران است. اوبر یک
ماشین منحصر به فرد هم به اسم «اوبر ایکس» دارد. لوکس
نیستند اما مدل‌هایی هیبریدی (خودروهایی که منبع سوختی
غیر از بنزین دارند و عموماً با برق کار می‌کنند) هستند!
مزیت این تاکسی‌ها این است که به دلیل مصرف سوخت
پایین‌تر، کرایه‌شان کم‌تر است و در عین حال هم راحتی
زیادی برای مسافر دارند.



اوبر در بیش از ۴۴۰ شهر از کشورهای
مختلف جهان قابل دسترسی است و
در حقیقت یک تاکسی یاب جهانی است.



پروژه دانشمند ناسا

اوبر تازه این پروژه را شروع کرده است و
گزارش‌های مختلف نشان می‌دهد که می‌خواهد
کارمند قدیمی ناسا (سازمان ملی هوانوردی و
فضایی آمریکا) را استخدام کند. درواقع «مارک
مور» دانشمند قدیمی ناسا قرار است روی پروژه
خودروهای پرنده تاکسی اینترنتی اوبر کار کند.

تاکسی فضایی چیست؟

درواقع منظور از تاکسی فضایی، هواپیماهای
الکتریکی سبک هستند. این هواپیماهای الکتریکی
که بال‌های ثابت و موتور پروانه‌ای دارند، به‌طور
عمودی از روی سقف آسمان‌خراش‌ها بلند می‌شوند.
فکرش را بکنید به جای اینکه مدت‌زمان طولانی
بین ترافیک گیر کنید، بتوانید از بالای سر همه
ماشین‌ها و ساختمان‌ها با سفارش یک تاکسی
اینترنتی اوبر به مقصدتان برسید. شبیه فیلم‌های
علمی-تخیلی است، اما اوبر قصد دارد این رؤیا را به
واقعیت تبدیل کند.

اوبر چیست؟

اوبر یک شرکت فناوری مستقر در
سانفرانسیسکو آمریکا است که در سال
۲۰۰۹ بنیان گذاشته شد. این شرکت
مدعی است که دگرگونی بزرگی در
دنیای جابه‌جایی انسان‌ها ایجاد کرده
است. ارزش این شرکت حالا بیش از ۶۰
میلیارد دلار است و به همین دلیل آن را با ارزش‌ترین
استارت‌آپ دنیا (شرکتی که دنبال مدلی از کسب و کار است)
به‌شمار می‌آورند. طی هفت‌سال گذشته، اوبر دامنه فعالیت‌های خود
را در سراسر جهان گسترش داده و توانسته جای خود را در میان مردم
بسیاری از کشورهای جهان باز کند. البته مثل ایران و تاکسی‌های
اینترنتی «سنپ» و «تپ‌سی»، این شرکت منتقدان زیادی هم دارد.
چندوقت پیش گروهی از رانندگان تاکسی در بریتانیا نسبت به بی‌کار
شدن‌شان به دلیل فعالیت گسترده این شرکت اعتراض کرده بودند.

خیلی از شما دانش‌آموز

سال آخر دبیرستان هستید
و در روزهای انتخاب‌رشته،
مدام در حال بررسی رشته
موردعلاقه‌تان و شغلی که در
آینده می‌توانید داشته باشید،
هستید. البته یک عده‌ای از شما
هم اصلاً به این موضوع فکر
نمی‌کنید و می‌خواهید هرطور
شده فقط به دانشگاه بروید
تا از پسرخاله و دخترعمه که
پارسال دانشجو شده‌اند کم
نیارید. خدمت شما هم به‌موقع
می‌رسیم! ولی الان روی حرف
من با آن‌هایی است که دوست
دارند در آینده شاغل باشند، چه
دختر و پسر. البته که داشتن
شغل برای آقایان و مردهای
آینده مهم‌تر و ضروری‌تر است،
ولی خیلی از مشاغل در جامعه
احتیاج به خانم‌های متخصص
دارد. این‌روزهاست که باید
کمی واقع‌بینی هم جاشنی کار
انتخاب‌رشته‌تان کنید. اوضاع
شغلی به هزارویک دلیل
این‌روزها در جامعه ما خیلی
مناسب نیست و این‌طوری
است که هیچ تضمینی وجود
ندارد رشته انتخابی شما حتماً
در آینده برایتان شغل به‌دنبال
داشته باشد. یک‌سری رشته‌ها
هم که از الان تکلیفشان مشخص
است و واقعاً کسی نباید انتظار
داشته باشد با مدرک رشته
آبیری گل‌های قالی (!) برود
سرکار.

قبول دارم. این اوضاع شاید
کمی متصفانه نباشد، اما بالاخره
زندگی است دیگر. غرض
اینکه اگر یک در به‌روی شما
بسته شد، غصه خوردن و ناله
و نفرین کردن فایده‌ای ندارد.
بینم شما چرا اصلاً به «مشاغل
خانگی» فکر نمی‌کنید؟ تحقیق
کرده‌اید ببینید بعضی‌ها با
همین مشاغل خانگی چقدر
درآمد دارند؟ اصلاً مگر همه
باید کارمند سرمایه حقوق‌بگیر
شوند؟

#کنکور
#انتخاب رشته
#شغل خانگی
#Khanoom_hashtak
دوباره تا چانه من گرم شد،
تعداد کلمات ستون تمام شد!
البته زندگی است دیگر!



https://telegram.me/khosroanjom_majid



۱- در کمک گرفتن از همشهری‌ها انصاف را
رعایت کنید...

ایول! سه تا چارراه دیگه هل بدی
ر رسیدیم!!



۳۱۳

«هشتکو» جایی برای خندیدن، شاد بودن و
حرف‌های خوشمزه زدن است.

#هشتکو

چگونه باتری ۶۶ درصد را بدون به برق زدن شارژ کنیم؟
گوشی را برعکس کنید، خواهید دید شارژ گوشی شما ۹۹ درصد خواهد شد.
تا اکتشافات بعدی خداحافظ

#فلسوف بعد از این

روزی دو دوست در بیابانی راه می‌رفتند. ناگهان سر موضوعی اختلاف پیدا کردند و کار به مشاجره
کشید. یکی از آنها از سر خشم سیلی محکمی توی گوش دیگری زد. دوست سیلی خورده با
خونسردی روی شن‌های بیابان نوشت: امروز بهترین دوستم بر چهره‌ام سیلی زد. آن دو کنار
یکدیگر به راه رفتن ادامه دادند تا به آبادی‌ای رسیدند. تصمیم گرفتند قدری آنجا بمانند و
استراحت کنند. ناگهان پای شخصی که سیلی خورده بود لغزید و داخل بر که افتاد و چون شنا بلد
نبود نزدیک بود غرق شود، اما دوستش به کمک او شتافت و نجاتش داد.
فرد نجات‌یافته به‌سختی روی صخره سنگی نوشت: امروز بهترین دوستم جانم را نجات داد.
دوستش با تعجب پرسید: «آن موقع تو سیلی مرا روی شن‌های بیابان نوشتی، اما امروز به‌سختی روی
تخته سنگ نجات دادنت را حکاکی کردی؟» دوست نجات‌یافته لیخندی زد و گفت: «وقتی کسی
ما را آزار می‌دهد باید روی شن‌های صحرا بنویسیم تا بادهای بخشش آن را پاک کنند، ولی وقتی
کسی محبتی به ما می‌کند باید آن را روی سنگ بنویسیم تا هیچ بادی نتواند
آن را از یاد ما ببرد.»

#استاد بزرگ

#خوشمزه‌خان

#استاد بزرگ

#همسایه خوشمزه‌خان

#خیل خان

«هو پاست‌ها» چیست؟
چیز به این سادگی رو هم نمی‌دونی؟؟
وقتی شخصی از روی پای شما رد می‌شود
داد می‌زنی می‌گی، هوووووو پاست‌ها.

دری را اگر قفل دیدی، نه بترس، نه نومید باش؛
اگر قرار بود باز نشود، جای آن دیوار بود...

چند روز پیش داشتم به مازراتی می‌خریدم،
سر به حرف خیلی کوچیک معامله به‌هم خورد.
گفت پول بده، منم نداشتم.
سر پول معامله رو به‌هم زد.

هیچی اندازه غذای بدمزه نمی‌تونه آدمو افسرده کنه.